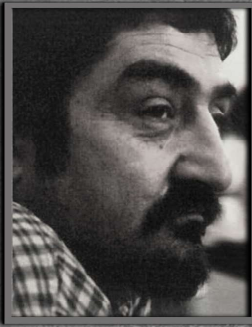


Mansoor Hekmat Week

4 - 11 June



در بزرگداشت یک زندگی پر بار

منصور حکمت

هفته حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد

خالد حاج محمدی؛ منصور حکمت و طبقه کارگر حزب کمونیستی و انقلاب کارگری، سهند حسینی؛ خطوط یک نقد سوسیالیستی به تجربه انقلاب کارگری در شوروی، فارس محمود؛ در افزودن های منصور حکمت به مارکسیسم، مصطفی اسدپور؛ ساختار اقتصادی سوسیالیسم در تئوری و سنت سوسیالیسم کارگری منصور حکمت،

نریا شهابی؛ معرفی یک دنیای بهتر،

فواد عبدالمهدی؛ منصور حکمت و تئوری دولت در دوره های انقلابی،

زمان سخنرانی ها: روز جمعه ۴ ژوئن ۱۳:۰۰
راس ساعت ۶ عصر به وقت لندن،
۷ به وقت اروپای مرکزی
در پلاکفرم ZOOM
Meeting ID: 833 4688 4629
Passcode: 028338

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
hekmatist.com

حکمتیست

هفتگی ۳۶۰

۳ ژوئن ۲۰۲۱ - ۱۳ خرداد ۱۴۰۰

رویدادهای سیاسی هفته

□ بازگشت غول!

□ اسرائیل؛ آرامش قبل از طوفان

فواد عبدالمهدی

اسبها در سربالایی

همدیگر را گاز می گیرند

آسو سهامی

بالاخره اسامی تعدادی ازکاندیداهای ریاست جمهوری از کیسه شورای نگهبان بیرون آمد و نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از غرق شدن کشتی فرسوده و به گل نشسته خود، حتی به کسانی که سالها در رکاب این رژیم بوده اند و در تمام جنایتهای آن شریک و مجری سیاستهای آن بوده اند نیز اعتماد ندارد. اسبهایی که ارابه فرسوده رژیم جمهوری اسلامی را می کشند به سختی زیر فشارند و به جان هم افتاده اند و همدیگر را گاز می گیرند. مقوله اسب خودی و غیر خودی (اصلاح طلب و اصول گرا) و تعویض آن با اسب های خودی تر و نزدیک به رهبری نیز می تواند این ارابه فرسوده را از دست طبقه کارگر و مردم جان به لب رسیده نجات دهد. اکنون زمان آن است که کارگران و مردم آزادیخواه با پرچم و سیاست مستقل خود و در صفی واحد به میدان بیایند و تکلیف کار را یکسره و اسب و ارابه و ارابه ران را همه باهم به پرتگاه تاریخ روان کنند. دیگر حتی ترمز کشیدن های سعید حجازیان و حمله به کمونیسم و تهدیدات سران رژیم نمی تواند چاره ساز باشد. رد صلاحیت جمع کثیری از مهره هایی (تو بخوان اسب هایی) که تاکنون ارابه رژیم را به دوش می کشیدند، منعکس کننده این واقعیت است که سران رژیم در این مقطع تاریخی و به منظور نجات رژیم، سعی می کنند حلقه مسئولین بلندپایه نظام را تنها از بین نزدیکترین افراد به خود انتخاب کنند. «خامنه ای» از عملکرد شورای نگهبان ابراز خوشحالی کرد و اظهار داشت که این نهاد وظیفه خود را درست انجام داده است. او به منظور دلجویی از افرادی که تاکنون در رکاب این رژیم بوده اند گفت که «عدم احراز صلاحیت به معنی بی صلاحیتی نیست» و در واقع می خواهد بگوید که شما علاوه بر عدم صلاحیتتان، اما هنوز ظرفیت لازم برای پیشبرد سیاستها و جنایتهای رژیم را دارا هستید، تا هم از آنان دلجویی کند و هم خاطر نشان کند که پا را از گلیم خود درازتر نکنند ... صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری

منصور حکمت

* بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که گریبان بورژوازی ایران را گرفته است نشانی از فروکش کردن ندارد.

* بساط سلطنت با انقلاب هر چند ناکام ۵۷ در هم پیچیده شد.

* امروز جمهوری اسلامی نیز به همان عاقبت نزدیک میشود.

نه آریایی گری آمریکایی شاه و نه خرافات اسلامی و قیل و قال پاناسلامیستی خمینی و شرکاء و نه نسل کشی و جنایات غیرقابل توصیف هر دو رژیم علیه بشریت و آزادی، هیچیک پاسخ این بحران نبود و نمیتوانست باشد - زیرا «مسأله» و «بحران»، در نفس وجود اجتماعی بورژوازی و حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه نهفته است - انقلاب ۵۷ تنها علیه سلطنت نبود، همچنانکه خیزش انقلابی عظیم آتی نیز تنها برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور نخواهد داشت - انقلاب ۵۷ استثناء نبود، بلکه نخستین جلوه قاعده ای بود که از این پس، تا در هم کوبیده شدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، تاریخ ایران را شکل خواهد داد. بحران اقتصادی و بحرانهای سیاسی و حکومتی دائمی، حرکت های اعتراضی گسترده که تنها با دوره های کمابیش کوتاه عقب نشینی و رکود نسبی از یکدیگر جدا میشوند، خیزش های انقلابی با فواصل کم و کمتر، گشوده شدن و باز هم گشوده شدن مسأله قدرت سیاسی در سطح جامعه و در جریان همه اینها، قدرت گیری روزافزون پرولتاریا و پیشروان کمونیست او، این آن دورهای واقعی است که بورژوازی در ایران بطور عینی با آن روبروست صرف نظر از اینکه این یا آن دار و دسته دولتی رسمی اش بتواند چند روز، چند ماه و یا احياناً چند سال تعادل خود را در رأس ماشین دولتی حفظ کند... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

رویدادهای سیاسی هفته

فواد عبداللہی

بازگشت غول!

روز دوشنبه دهم خرداد، بار دیگر کارگران نفت بنادر ماهشهر به دلیل عدم رسیدگی به مطالباتشان، همراه با خانواده‌های خود، یکدست به میدان آمدند. این دومین بار متوالی است که در طول کمتر از بیست روز، این غول بیدار طبقه کارگر ایران، سرها را به سمت خود جلب می‌کند و نگاه‌ها می‌خکوب می‌شوند؛ در جامعه‌ای که از یک طرف حکم به عبور از رونمای سیاسی حاکم داده است و بر بشکه باروت نفرت و انزجار از کل حاکمیت جمهوری اسلامی نشسته است و از طرف دیگر چرخ اقتصادش نمی‌چرخد و همه چیز به گل نشسته است، کاملاً طبیعی است که فضا برای ابراز وجود طبقه کارگر ایران باز شود؛ چنین تکان‌های کارگری در مراکز صنعتی و کلیدی در ایران، قطعاً کفه توازن قوا را به نفع عطش به از پا درآوردن جمهوری اسلامی در سطح جامعه سنگین‌تر می‌کند و نوید فرا رفتن از اوضاع کنونی را می‌دهد. این تنها اهرم واقعی و عقلانی جهت متحول شدن جامعه ایران در مقابل تمکین به همه آلترناتیوهای دیگری است که «قرار است» اوضاع سیاسی در ایران را جابجا کنند.

کارگری شدن فضای سیاسی و اعتراضی از دیماه ۹۶ تاکنون، گواه اینست که طبقه کارگر ایران بعنوان بخش پیشرو گردان مبارزه طبقاتی علیه فقر و استبداد، تنها اپوزیسیون سرسخت جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران به مثابه رهبر سرسخت مبارزه برای رفاه و آزادی است. این یک واقعیت است. کدام نیروی دیگر غیر از آن قادر به ایفای چنین نقش تعیین‌کننده‌ای است؟ بیداری این غول از هفت‌تپه و هپکو، از فولاد اهواز و آذربایجان تا بازنشستگان و نفتی‌ها و معدنچیان آسمینون، دیگر به یک اهرم قدرت غیرقابل حذف در راس جنبش مبارزه برای آزادی و برابری در ایران تبدیل شده است.

رویدادهای چند ساله اخیر، شاهدهی بود بر این واقعیت که دوران تخطئه نقش و قدرت کارگر و نفوذ سوسیالیسم به سر رسیده است. اکنون دیگر دوره اعتماد به قدرت طبقه کارگر، دوره امیدواری مردم به دخالتگری کمونیسم است. رویارویی و عروج طبقه کارگر در تحولات ایران، درسی بود به همه کسانی که به خودآگاهی و استقلال طبقاتی کارگران ناباورند؛ درسی بود به همه کسانی که به نیروی متشکل طبقه ما در مجامع عمومی و تصمیمات جمعی و بزرگ رهبران آن ناباورند؛ که منکر تجارب گرانهای کارگران هفت‌تپه در تثبیت مجامع عمومی کارگری و به اهتزاز درآوردن پرچم «اداره شورایی جامعه» اند. این تجارب امکان داد تا همه از این روزنه نگاهی به پتانسیل عظیم جنبش کارگری در ایران بیاندازند.

امروز دیگر هر تکانی در میان کارگران صنعت نفت، یادآور نقش برجسته شوراهای کارگری در اعتصاب قدرتمند کارگران نفت در کش و قوس قیام ۵۷ است. اوضاع سیاسی امروز کمک می‌کند که راه بازگشت این غول با تکیه بر مجامع عمومی و افق و برنامه مستقل خود، هموارتر شود. این مسیر را کارگران هفت‌تپه نشان داده‌اند.

اسرائیل؛ آرامش قبل از طوفان

اعتراضات گسترده توده‌ای در جهان علیه حملات نظامی چند هفته پیش دولت اسرائیل به غزه و به موازات آن، شروع دور دیگری از پاکسازی قومی مردم فلسطین در داخل اسرائیل عملاً بقاء دولت دست راستی نتانیاهو را در منگنه قرار داده است. بویژه که نتانیاهو و راست افراطی تمام امیدشان را به انتخاب دوباره ترامپ در انتخابات آمریکا بسته بودند؛ این روزنه با شکست ترامپ عملاً کور شد و مانند یک «ضد مشت» به دستگاه حاکمیت راست افراطی در اسرائیل عمل کرد.

اکنون ظاهراً در اسرائیل «آرامشی» شکنده حکمفرماست! آنچه رسانه‌های

جنگی بعد از ۱۱ روز تهاجم نظامی دولت اسرائیل و کشتار صدها نفر از مردم فلسطین تحت نام «آتش بس» و بازگشت «آرامش» در بوق و کرنا می‌کنند در حقیقت پوچ‌تر از آن بود که حتی یک هفته هم دوام آورد. این هجوم و آدمکشی نه تنها یک لحظه متوقف نشده است بلکه پاکسازی قومی شهروندان فلسطینی - اسرائیلی، حمله به کودکان و سالخوردهگان و مردم منتسب به «عرب زبان» توسط ارتش و باندهای راست افراطی در داخل اسرائیل برای دامن زدن به تنش کور قومی کماکان در جریان است.

«مسئله فلسطین» و سرنوشت دولت دست راستی اسرائیل وارد فاز جدیدی شده است؛ «آتش بس» نه تنها موج نارضایتی‌ها در داخل اسرائیل را خاموش نکرده است بلکه به موج عصیان در فلسطین و داخل اسرائیل، عمق بیشتری بخشیده است. گانگسترهای راست افراطی در رکاب پلیس مخفی اسرائیل مرتب در حال شکار کودکان و شلیک به شقیقه جوانان و معترضان فلسطینی هستند؛ تلاش برای ورود اوباش دست راستی به مسجد الاقصی و فشار به ساکنین محله شیخ جراح که منجر به اعتراضات و درگیری‌ها در اورشلیم شرقی شدند، همچنان پابرجاست. اما اینبار دیگر سرکوب شده‌ها ساکت نمی‌شوند و توهمات به «تلاش» نهادهای بین‌المللی برای پایان دادن به این اوضاع، تماماً زدوده شده است.

آنچه امروز در جامعه اسرائیل در جریان است، در واقع «گودبای پارتی» راست افراطی است که با تعرض و تهاجم به مردم فلسطین تحت نام «دفاع از موجودیت اسرائیل» و «قوم یهود» به ته دیگ خورده است. امروز کسی به این پروپاگاندهای قومی دولت اسرائیل واقعی نمی‌گذارد. راست در اسرائیل مدت‌ها است از نظر «اخلاقی»، بازی را باخته است و امروز وقت هزیمت در زمین سیاست است. افکار عمومی در جهان، از آمریکا تا اروپا و تا اعماق جامعه اسرائیل، این دولت را نه تنها «دولت آپارِتاد قومی» می‌نامند بلکه به اشکال مختلف اقدام به تلنگر و سازماندهی از پایین علیه حمایت دول غربی از دولت اسرائیل کرده‌اند؛ از مارش‌های خیابانی میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان در حمایت از مردم فلسطین و محکومیت کشتار آنها توسط دولت اسرائیل، تا اعتراضات مردم اسرائیل در تل‌آویو علیه این جنایات، از اعتصاب قدرتمند کارگران بارانداز بنادر ایتالیا که از بار زدن محموله‌های نظامی به اسرائیل سر باز زدند تا مسدود کردن راه ورود کشتی‌های اسرائیلی به بنادر اوکلند و نیویورک و سیاتل، همه دلالت بر پایان معادلات گذشته و تولد جهان نوین دارد. تا همینجا این یک اتحاد عمیق جهانی و منطقه‌ای و یک پیشروی در مقابل راست افراطی در اسرائیل را به نمایش گذاشته است؛ اکنون صحبت از یک اتحاد سراسری، از کرانه‌های باختری تا جنوب‌وچوش نیروهای رادیکال و چپ در داخل اسرائیل است. نسل نوینی که رهبران و چهره‌های مشهور آن به کمتر از رفاه، امنیت و آزادی تن نخواهند داد. این نبردی ساختارشکنانه، چپ و نوین است که از خیابان‌های فلسطین و اسرائیل تا میادین سراسر جهان علیه راست افراطی در اسرائیل و برای حل مسئله فلسطین متولد شده و به حرکت درآمده است. جنبشی که می‌رود نیروهای راست در فلسطین و اسرائیل را منزوی کند و به موازات آن، با تعمیق شکاف در صفوف دول «فخیمه» غربی، فشاری جدی برای پاسخگویی به حل یکی از دردآورترین معضلات تاریخ بشری را ایجاد کند.

انتخاب مردم:

آزادی، رفاه، حکومت شورایی!

مردم آزادی میخواهند؛ برابری میخواهند؛ رفاه و خوشبختی و امنیت میخواهند؛ این رژیم باید برود؛ مردم حاکمیت شورایی میخواهند!

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

است که مردم خواهان سرنگونی این رژیم هستند. هیچ انتخاباتی برای آنها مشروعیت ندارد. انتخابات در جمهوری اسلامی حتی با معیارهای انتخابات در کشورهای غربی و دموکراسی صوری بورژوازی هم فرسنگها فاصله دارد.

امروز نه تنها در ایران که بعلاوه در همین کشورهای غربی هم زمان آن فرا رسیده است که استثمار شونده گان ترمز استثمار کننده گان را بکشند و خط بطلانی بر این سیستم و دستگاه های حکومتی آن بکشند.

مردم ایران و خصوصاً طبقه کارگر تصمیم خودشان را گرفته اند و می خواهند و می توانند رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، اما نکته قابل تامل اینجاست که بعد از سرنگونی رژیم اجازه ندهند هر اپوزیسیون راست و ضد کارگری بر سر کار آید و این امکان پذیر نیست مگر با به میدان آمدن طبقه کارگر و بدست گرفتن پرچم حاکمیت شورایی در صف اول مبارزه!

طبقه کارگر ایران از دل دو انقلاب مشروطه و ۵۷ بیرون آمده است، تجربه کسب کرده است، بارها زمین خورده است و دوبار کمر راست کرده است. رهبران و فعالین این طبقه به قدرت طبقاتی خود آگاهند، تجربه انقلاب ۵۷ و نقش طبقه کارگر در انجام آن انقلاب را میدانند، همزمان میدانند اگر با آمادگی، اگر با صف مستقل خود، اگر با پرچم سیاسی خود، با افقی روشن و سازمان و حزب خود وارد این تحولات نشوند، ممکن است بعد از این تحولات و علیرغم سرنگونی جمهوری اسلامی، باز هم سر طبقه کارگر و بخش محروم جامعه بی کلاه بماند.

این دوره یعنی دوره خودآمادگی این طبقه، دوره سازمانیابی توده ای و اتحاد توده کارگران در تشکلات توده ای خود، یعنی دوره به هم بافته شدن رهبران و فعالین این طبقه و یعنی دوره ایفای نقش فعالین کمونیست طبقه کارگر، محافل و جمع و شبکه های کمونیستی در میان این طبقه در دل تحولات این دوره و در جدال با جمهوری اسلامی است.

برای طبقه کارگر و کمونیستهای این طبقه، برای ما و همه فعالین انقلاب کارگری، عبور جامعه از این دوره به شکلی که کارگران و اقشار زحمتکش جامعه حول افق و آرمان انسانی کمونیستها متحد شود، حول سیاست کمونیستها و زیر پرچم انقلاب کارگری متحد شوند، نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی به سهولت ممکن است بلکه جامعه ای مرفه و آزاد بعد از جمهوری اسلامی نیز تضمین شده است.

بنابراین در این مقطع زمانی، بحث در مورد مضحکه انتخابات نیز فرجه ای است که کارگران و آزادیخواهان در مقابل حاکمین، نوع حاکمیت خود، نوع انتخاب خود را با بلند کردن پرچم آزادی، رفاه، امنیت و اداره شورایی به جامعه اعلام کنند و فریاد بزنند که انتخاب طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه، آزادی، برابری و حکومت کارگریست.

مردم ایران می بینند که اسبها چطور در سربالایی و بر اثر فشار موجود همدیگر را گاز می گیرند و این فشار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که رژیم را در تنگنا و سراسیمگی سقوط قرار داده است، حاصل سالها مبارزه و بیانگر وزن و نقش کارگران و مردم آزادیخواه در این دوره و جنبش اعتراضی آنان برای رسیدن به دنیایی آزاد، برابر و مرفه است.

نباید در مقابل نمایش «انتخابات»

ساکت بود. نباید اجازه داد این مراسم

درون خانوادگی برای محکم کردن

صنوفشان در مقابل ما، هشتاد میلیون

مردم به تنگ آمده از حاکمیت، در سکوت و

در آرامش برگزار شود!

میتوان و باید روزهای «مبارزه انتخاباتی»

را به صحنه محاکمه همه جناح ها و نهادها

و شخصیت ها و کل حاکمیت تبدیل کرد!

هر چند سران رژیم با وجود بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که در آن دست و پا می زنند، دیگر به دوستان کنار دست خود نیز اعتمادی ندارند، اما انگار حتی به نامزدهای منتخب شده نیز اعتماد چندانی ندارند و از ترس هر خیزش اجتماعی، هر نوع سایه ای روی دیوار را هیولای مرگ می بینند. «علی القاصی مهر» دادستان تهران اعلام کرد که اگر نامزدهای انتخابات بخواهند از «خطوط قرمز نظام» عبور کنند، با آنها قاطعانه برخورد می شود. از سوی دیگر نیز «حسین اشتری» فرمانده کل نیروی انتظامی ضمن اشاره به سخنان خامنه ای تهدید کرد که با افرادی که هنجارشکن انتخاباتی هستند و مردم را به عدم شرکت در انتخابات دعوت می کنند، برخورد خواهد کرد. ظاهراً مخاطب تهدیدات فرمانده ناجا افراد رد صلاحیت شده است، اما خط و نشان کشیدن جناب فرمانده مردم آزادیخواه است که زمین زیر پای فرمانده و لشکر هایش را داغ کرده اند.

رد صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری باعث شده است که تعدادی از این جنابان جنایتکار رنگ و لعاب اپوزیسیون به خود بگیرند و اعلام کنند که در انتخابات شرکت می کنند. این جنابان بسیار بهتر از هر کسی می دانند که طی این چهل سال، انتخابی در کار نبوده و هر آنچه که هست انتصاب مهره هاست و هر بار به نیرنگی افراد مورد نظر خود که در دوره های مختلف به عنوان رئیس جمهور منتصب کرده اند تا در برابر اعتراضات و خیزش اجتماعی نقش سوپاپ اطمینان ماندگاری رژیم را ایفا کنند.

اپوزیسیون شدن رد صلاحیت شده ها از دو حالت خارج نیست و در واقع هر دو حالت نیز از واقعیات درون جامعه سرچشمه می گیرند و هر دوی این واقعیت به هم گره خورده اند.

۱. بر کسی پنهان نیست که از یک سو شکاف بین حاکمیت و مردم به شدت عمیق شده و این شکاف با هیچ ترفند و نیرنگی قابل پیوند نیست و مردم نه به این یا آن جناح بلکه به هیچ کدام از جناح های رژیم اعتماد ندارند و از دیگر سو اینکه شکاف بین خود جناح های رژیم نیز عمیق تر گشته و هر کدام از جناحین سعی در نجات خود از باتلاقی را دارد که خودشان طی چهل سال حاکمیتشان ایجاد کرده اند.

۲. حاکمیت از خیر رای و حضور مردم در پای صندوق های رای گذشته است، میدانند که مردم محروم آرزو میکنند سر به تن حاکمیت نباشد. اینکه مردم در این مضحکه شرکت نمیکنند برای خود بالایی ها هم امری مسجل و از خیر آن گذشته اند. اکنون تنها مشغله آنها از سر گذراندن این مضحکه و پایان «انتخابات» شان است. رژیم بهتر از هر کسی می داند که در هر لحظه ممکن است با اعتراضات گسترده اجتماعی روبرو شود و این امکان دور از انتظار نیست که خود صندوقهای رای به میدان اعتراض مردمی بدل گردد. در این میان تعدادی که بعد از رد صلاحیت کاندیداتوری لباس «منتقد» پوشیده اند و بخشا حتی اینجا و آنجا میگویند در انتخابات شرکت نمیکنند، فرصت طلبان سیاسی بیش نیستند. اینها چه بدلیل دلخوردگی شخصی از حاکمیت و اینکه خودشان هم مورد بی مهری قرار گرفته اند و اینکه دیگر نمی توانند سهمی در حاکمیت داشته باشند و چه برای کسب آبروی نداشته در جامعه و یا نجات خود در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، بهر صورت در میان مردم آزادیخواه ایران نه تنها جایی ندارند، بلکه و بعلاوه باید به جرم شراکتشان در جنایات علیه طبقه کارگر و محرومان جامعه، فردا در پیشگاه مردم ایران محاکمه و جوابگو باشند.

اکنون و در این مقطع زمانی موضوع تنها بایکوت و تحریم انتخابات نیست، آنگونه که جمعی از اپوزیسیون تازه به یادشان افتاده که این انتخابات آزاد نیست. ما کمونیستها بیش از چهار دهه است اعلام کرده ایم که مضحکه های انتخاباتی جمهوری اسلامی را انتخابات نام گذاشتن توهین به شعور مردم است، اعلام کرده ایم انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است، اعلام کرده ایم انتخاب مردم آزادی، برابری و امنیت است. اکنون و بار دیگر مردم را به این مهم فرا می خوانیم که مراکز اخذ رای را به صحنه اعتراض عمومی و به آتش کشیدن صندوقهای رای تبدیل کنند.

در شرایطی که روزی نیست که شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری در گوشه و کنار ایران نباشیم، روزی نیست که شاهد تجمعات اعتراضی بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان و دانش آموزان و صدها تجمع اعتراضی دیگر نباشیم، در شرایطی که جمهوری اسلامی حتی توانایی تامین نیازهای اولیه همانند آب آشامیدنی، بهداشت و مسکن مردم را ندارد، در شرایطی که ویروس کرونا، معضل اعتیاد، عدم ایمنی جاده، عدم ایمنی ساختمانها و انواع بلاهای طبیعی روزانه مردم را قتل و عام می کند. انتخابات جمهوری اسلامی تنها می تواند آفتاب لب بام باشد و بس.

تمامی این اعتراضات برحق طبقه کارگر و محرومین جامعه گویای این واقعیت

“حکومت کارگری” یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمارشدگان و تولیدکنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناچیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی بخش حاکم، حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استثمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استثمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استثمارشدگان و سرکوب برای استثمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی واقعی آزادی و برابری.

پاسخ بورژوازی به این شعار پرولتاریا کاملاً روشن است. بورژوازی در برابر این شعار در سراسر جهان تنها یک پاسخ دارد و آن سرکوب، قهر و ارتجاع عریان ضد پرولتری است. جمهوری اسلامی خود تنها جزئی از این پاسخ و یک نمونه زنده آن است. اما لیبرال-چپها و خرده-بورژوا رفرمیستهایی که خود را به انقلاب و یا حتی سوسیالیسم می‌چسبانند نیز، هر قدر از اوضاع موجود ناراضی باشند و بر سر اوضاع و آلتزاتیو“ مطلوب میان خود اختلاف داشته باشند، پاسخ کمابیش یکسانی را در مقابل ما قرار میدهند. مجموعه‌ای از تهدیدات، تحریفات و غرولندها خطاب به کارگران کمونیست پرتاب میشود: “حکومت کارگری؟! این یک توهم است. مگر ارتش آمریکا را نمی‌بینید، مگر قدرت مذهب را نمی‌بینید؟ مگر عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه را نمی‌بینید؟ مگر نمی‌بینید که بخش اعظم مردم مذهبی اند، روستایی اند، غیرپرولتر اند؟ صنعت ما برای جامعه سوسیالیستی شما به اندازه کافی رشد نکرده است. آخر کارگران کم‌سواد و بی‌اطلاع شما چگونه قرار است جامعه مدرن امروز را اداره کنند؟ با کدام نیرو می‌خواهید حکومت کارگری را برقرار کنید؟ کدام کارگر، کدام طبقه کارگر متحد، کدام طبقاتی، کدام نیروی متشکل برای تحقق این شعار وجود دارد؟ مگر شعارهای امروز مردم را نمی‌بینید؟ کسی در ایران زیر بار حکومت کارگری نخواهد رفت. زود است، غیر ممکن است، عملی نیست، توهم است.”

بخش اعظم این نوحه‌خوانی‌ها را اراجیف و چرندیاتی تشکیل میدهد که آگاهانه جعل شده‌اند و بخش دیگر نیز بیان فرصت‌طلبانه و ریاکارانه واقعیتی است که بطور عینی سد راه حکومت کارگری و تحقق برنامه کمونیستی است. این واقعیات برای ما موانعی است که باید برچیده شود و برای بورژوازی و خرده بورژوازی سنگرهای است که باید در برابر پرولتاریای انقلابی حفظ گردد. اساسی‌ترین مانع تحقق فوری شعار ما، کمبود آگاهی طبقاتی، تفرقه و ضعف سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر ایران است. آری، اگر کارگران ایران متحد بودند، به منافع طبقاتی خود واقف بودند، در حزب سیاسی انقلابی خود، حزب کمونیست ایران، گرد آمده بودند، آنگاه استقرار حکومت کارگری کار یک روز بود.

ادامه در صفحه بعد

در چنین شرایطی، و با چنین کابوسی، اینک دیگر تمام اقشار بورژوازی به تکان و تکاپو افتاده‌اند. تابلوهای نجات میهن سرمایه یکی پس از دیگری بالا رفته‌اند و از فرط کثرت دیگر حتی بخاطر سپردن و شمردن همه آنها نیز میسر نیست - “جمهوری اسلامی با خمینی، بدون لاجوردی”، “جمهوری اسلامی با رجوی دمکراتیک”، “جمهوری سوسیال دمکراتیک اسلامی”، “ناسیونالیسم اسلامی”، “ناسیونالیسم غیر اسلامی”، “ناسیونالیسم آریایی”، “ناسیونالیسم آمریکایی”، “سلطنت خوان کارلوسی”، “سلطنت آریامهری”، “حکومت ژنرالی”، “جمهوری پارلمانی”، یا “اصلاً اشغال نظامی توسط آمریکا”، “بالآخره باید یکی از آنها را قبل از اینکه آوار جمهوری اسلامی روی سر همه خراب شود بر قرار کرد” - این رویای آشفته بورژوازی است - اینها عناوینی است که همه به یک اوضاع واحد رجوع می‌کنند، ختم انقلاب و هر نوع حرکت انقلابی و حفظ، دوام و بقاء و توحش بورژوازی در ایران.

در مقابل همه این تکاپوها و توطئه‌ها برای خواباندن صدای انقلاب و قیچی کردن روند انقلابات و بحرانهای انقلابی پی در پی، کارگران انقلابی ایران یک شعار را مطرح میکنند، شعاری که گویای حضور پیگیر طبقه کارگر ایران در تمام سیر پر تحول و پرافت و خیز جاری و آتی تا تحقق اهداف نهایی است. شعاری که انگیزه و نیروی محرکه حرکت رو به جلوی مبارزه طبقاتی و انقلابی در ایران را در یک عبارت کوتاه بیان میکند: “آزادی، برابری، حکومت کارگری” این شعار کارگران انقلابی است. این شعاری است که تمام حرکت‌های انقلابی در ایران معاصر، از انقلاب ۵۷ تا پیروزی نهایی را به هم مرتبط میکند.

“آزادی” یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه‌داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت‌آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بیحقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش‌های خرافه‌آمیز و عقب‌مانده جامعه موجود، رهایی از ستم‌های مذهبی، قدمی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

“برابری”، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایده‌آوردن بر هر عقب‌ماندگی و کمبود - برابری‌ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و

کارگران!

برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به قدرت خود، به قدرت میلیون‌ها انسان گرفتار در چنگال نظام فقر و استثمار و تبعیض و بی حقوقی مطلق، برای انقلاب کارگری و برپایی جهانی نو و بهتر به حزب خودتان پیوندید!
حزب حکمتیست (خط رسمی) مهمترین ابزار متحد و متشکل شدن شما، مهمترین ابزار این سرنگونی و به پیروزی رساندن انقلاب کارگری است!

زنان و مردان آزادیخواه!

همه خود را برای فردای پس از جمهوری اسلامی آماده می‌کنند!
نیروهای راست و ارتجاعی نیروی خود را برای دست بدست کردن قدرت از بالای سر ما، خود را برای تحمیل یک‌دور دیگر از استثمار و فقر و استبداد به نامی دیگر، آماده می‌کنند و ابزار خود را صیقل می‌دهند!
ما، طبقه کارگر بیزار از فقر و استثمار و بی حقوقی! ما زنان تشنه رهایی از آپارتاید جنسی و تحقیر و سرکوب جنسیتی، ما جوانان و کارکنان و بیکاران و سالمندان گرفتار در چنگال نظام و حکومتی ضدانسانی، باید خود را آماده کنیم!

حزب حکمتیست (خط رسمی)، ابزار قدم نهادن به این جدال است! به حزب تان پیوندید!

لیبرالیسم و رفرمیسم حقیر این اپوزیسیون نیز هست. ما شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به موازات شعار "سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک انقلابی" از هم اکنون تبلیغ میکنیم. ما از هم اکنون دست اندر کار بسیج و تشکل نیروهای انقلاب بی چون و چرای پرولتری هستیم. ما اعلام میکنیم که جمهوری دموکراتیک انقلابی، با تمام پیشرویها و دستاوردهای دموکراتیک خود، و با تمام نقشی که در مبارزه برای رهایی دارد، پایان کار نیست و مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران برای رهایی قطعی تا برقراری حکومت کارگری و سوسیالیسم بیوقفه ادامه خواهد یافت. خرده بورژوا-رفرمیست‌های مدعی "مارکسیسم" خرده میگیرند که جمهوری انقلابی ما، با نظام شورایی و تسلیح عمومی و با برنامه گسترده عملی، چیزی جز همان حکومت کارگری تحت نام دیگری نیست. ما اذعان میکنیم که این جمهوری بسیار فراتر از هر توقع و تصور بورژوا-دموکراتیک چنین کسانی است. ما اذعان میکنیم که همین جمهوری به مراتب از "سوسیالیسم" روسی و چینی و بلغارستانی و آلبانیایی اینان (که چیزی جز سرمایه‌داری دولتی تحت نام سوسیالیسم نیست) به سوسیالیسم "زدیکتر" است. زیرا یک ابزار انقلابی پیشروی پرولتاریا است. اما در همان حال به هیچ کس، و بویژه به هیچیک از تحریف‌کنندگان سوسیالیسم اجازه نخواهیم داد تا افق کارگران را از سوسیالیسم واقعی و حکومت کارگری این چنین کاهش دهند. حکومت کارگری‌ای که این جمهوری تنها زمینه‌ساز آن و شرایط مساعدی برای گردآوری قوای آن خواهد بود، حکومتی است که جدال اساسی طبقه کارگر را برای لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و جایگزینی تولید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بجای نظام استثمارگر سرمایه‌داری در کلیه وجوه آن و در برابر کلیه مخالفان آن به پیش خواهد برد. حکومت کارگری، حکومت کارگران برای برقراری سوسیالیسم است. حکومت کارگری حکومتی برای تضمین رهایی قطعی است. جمهوری دموکراتیک انقلابی تنها یک گام، باشد که گامی بسیار مهم، در این جهت خواهد بود.

منصور حکمت

۲۸ آبان ۱۳۴۲

کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران شماره ۱۴، ۳۰ آبان ۱۳۴۲

زنان و مردان آزادیخواه

روزهای انتخابات را به روزهای حضور گسترده، پرشور و رادیکال شما، مردم آزاده، جوانان پرشور، رهبران و شخصیت‌های کارگری و زنان آزادیخواه تبدیل کنیم!
نه برای «گرم نگاه داشتن» تنور انتخابات، که برای دمیدن و بالا بردن دمای کوره داغ اعتراضات برحق و انسانی خود!

باید خواب و آرزوی محکم کردن پایه‌های حاکمیت شان علیه هشتاد میلیون مردم به فقر و فلاکت کشانده شده در ایران را، بر همه آنها آشفته کرد!

باید انتخاب هشتاد میلیون انسان تشنه آزادی، «آزادی، رفاه، حکومت شورایی» آن را با صدایی رسا اعلام کرد!

به حزب حکمتیست

(خطر سمره) بپیوندید!

ما برای نزدیک‌تر کردن آن "روز" مبارزه میکنیم و این شعار خود یک ابزار مهم ما در این مبارزه است. این شعار امروز آگاه و بسیج و متشکل میکند و فردا عملی میشود و به حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه خاتمه میدهد.

تحقق این شعار یعنی تحقق بخش حداکثر برنامه حزب کمونیست ایران، مستلزم بوجود آوردن درجه بالایی از آگاهی و تشکل در میان طبقه کارگر ایران است. آگاهی و تشکلی که در انزوا از جامعه و در ماوراء جامعه به دست نمی‌آید، بلکه باید در دل همین مبارزات جاری و خیزش‌های پی در پی انقلابی و از طریق کار پیگیر کمونیست‌ها به دست آید. طبقه کارگر باید از هر دوره و عرصه مبارزه طبقاتی و انقلابی آگاه‌تر و متشکل‌تر و با پیوندی عمیق‌تر با حزب خود، حزب کمونیست، به جلو گام بردارد. شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" قطب‌نمای حرکت پیوسته ما از دل نبردهای متعدد و عرصه‌های متنوع مبارزه است.

اگر هم‌اکنون نیروی کارگران آگاه و متشکل فوراً و بلافاصله برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار حکومتی که قادر به در هم کوبیدن مقاومت کلیه دشمنان پرولتاریا و سوسیالیسم باشد، کافی نیست، انرژی و مطالبات انقلابی در توده وسیع کارگران و زحمتکشان و افشار تحت ستم جامعه برای آنکه پرولتاریای کمونیست مبارزات جاری را از زیر دست و بال بورژوازی و خرده بورژوازی بیرون بکشد و با رهبری خود آن را به عمیق‌ترین نتایج ممکن سوق دهد، وجود دارد. این امکان بطور عینی و واقعی وجود دارد که مبارزات و اعتراضات موجود به جنبشی عظیم برای دموکراسی انقلابی تبدیل شود. حاکمیت دموکراتیک انقلابی‌ای که بار بحران اقتصادی نظام موجود را بر سر بورژوازی خراب میکند و آنچنان دموکراسی وسیع و گسترده‌ای را بر قرار میسازد که بر داشت گام بعدی به انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگری را به مراتب ساده‌تر می‌سازد. دموکراسی انقلابی‌ای که در عین پاسخگویی به عاجل‌ترین نیازهای توده‌های وسیع تحت ستم و استثمار، بهترین شرایط ممکن برای بسیج و تشکل طبقاتی عظیم کارگران برای دستیابی قطعی به قدرت سیاسی را به وجود می‌آورد. ما در پرتو شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" برای ایجاد چنین شرایطی و برقراری چنین حاکمیت دموکراتیک انقلابی‌ای در سطح جامعه نیز مبارزه می‌کنیم. کارگران کمونیست آماده‌اند تا بر مبنای یک پلاتفرم انقلابی و دموکراتیک، یعنی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، در رأس و با شرکت کلیه افشار تحت ستم و استثمار و کلیه نیروهای اجتماعی که خواهان تحول عمیق دموکراتیک در جامعه موجود هستند، یک "جمهوری دموکراتیک انقلابی" تشکیل دهند. کارگران کمونیست، از هم‌اکنون در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، برای گردآوری قوا و تشکل کل نیروهای دموکراسی انقلابی، در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک جمهوری دموکراتیک انقلابی فراخوان داده‌اند.

جمهوری دموکراتیک انقلابی شعار تاکتیکی حزب کمونیست ایران در شرایط کنونی است. این جمهوری به مطالبات دموکراتیک توده‌های تحت ستم و استثمار جامعه، کارگران، زحمتکشان نهیدست در شهر و روستا، زنان، خلقهای تحت ستم و کلیه انسانهای شریفی که خواهان دموکراسی وسیع سیاسی هستند، به خواستهای تمام کسانی که از بیحقوقی سیاسی، اختناق، ارتجاع مذهبی و کل قوانین ارتجاعی که بر محیط کار و زیست مردم جامعه حکمفرماست به تنگ آمده‌اند، جامه عمل می‌پوشاند. اداره کشور به شوراهای واقعی خود مردم سپرده میشود، بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم برچیده میشود و دموکراسی مستقیم برقرار میگردد، تسلیح عمومی مردم ضامن اجرایی دفاع از دستاوردهای انقلاب قرار میگیرد. در این جمهوری حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران تضمین خواهد شد، قانون کار دموکراتیک پرولتاریای انقلابی فوراً به مورد اجرا در خواهد آمد. دستگاه قضایی بورژوازی برچیده میشود و دادگاههای مردم با قضاوت و هیئت منصفه انتخابی جانشین آن خواهد شد. بیمه بیکاری و بیمه‌های اجتماعی در سطح وسیع معمول خواهد شد. برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و صنفی اعلام خواهد گشت.

بهداشت، آموزش و مسکن مناسب حق سلب‌ناپذیر هر شهروند اعلام خواهد شد و کلیه امکانات لازم برای تحقق عملی این حقوق در اختیار شوراهای مردم قرار خواهد گرفت. در یک جمله، جمهوری دموکراتیک انقلابی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران را عملی خواهد کرد.

جمهوری دموکراتیک انقلابی پاسخ فوری حزب کمونیست و پرولتاریای انقلابی در برابر جمهوری اسلامی و کلیه طرح و نقشه‌های "آلترناتیو" است که امروز اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی تبلیغ میکنند. نیروی واقعی اجتماعی برای تحقق این اهداف فوری با سرنگونی جمهوری اسلامی هم‌اکنون بالقوه موجود است. نیرویی به مراتب عظیم‌تر از توان مدافعان هر یک از "راه حل"‌های بورژوا-اسلامی و بورژوا-سلطنتی‌ای است که اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی سودای تحمیل آن را به توده مردم ایران دارد. جمهوری انقلابی و دموکراسی انقلابی وسیعی که این جمهوری متضمن آن است در عین حال افشاگر دموکراتیسم دروغین و

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست ہفتکے

سر دبیر: فواد عبداللہی

انتخاب مردم:

آزادی رفاہ

حکومت شورایی!

مردم آزادی میخوانند!

برابری میخوانند!

رفاہ و خوشبختی و امنیت

میخوانند!

این رژیم باید برود!

مردم حاکمیت شورایی

میخوانند!

یک دنیای بہتر

برنامہ حزب حکمتیست را بخوانید!